

## بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تفاوت ارزشی (مطالعه موردی والدین و جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر ساری)

سیف‌الله فرزانه<sup>۱</sup>

عیسی چراتی<sup>۲</sup>

### چکیده:

هدف این مقاله بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پیدایش تفاوت در ارزش‌های دو نسل مورد بررسی در شهر ساری است. چارچوب نظری این پژوهش تئوری نظام‌اجتماعی در قالب نظریه کنش تالکوت پارسونز است. در انتخاب معیار سن جوانی از میان تعاریف مختلف، معیار ارائه شده توسط واحد جوانان وابسته به سازمان ملل متحد یعنی رده سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله برگزیده شد. سپس طبق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران ۲۶۶ نفر به عنوان حجم نمونه جوان و ۵۳۲ نفر والدین (پدر و مادر) انتخاب شدند که پرسشنامه‌ها با شیوه طبقه‌ای متناسب و تصادفی سیستماتیک برحسب رده سنی و جنسیت جوانان و با تقسیم شهرساری به ۸ بخش فرضی نسبتاً برابر تکمیل گردیدند. از ویژگی‌های خاص این پژوهش می‌توان به تکمیل پرسشنامه در سه سری توسط پدر، مادر و جوان به‌طور مجزا اشاره نمود. در مجموع از چهار فرضیه مورد بررسی نتایج زیر به دست آمد، منش اقتصادی جوانان بسیار کم و معکوس بر تفاوت ارزشی میان آنها با والدینشان اثر گذاشته در حالی که منش اقتصادی والدین اثر تقریباً زیاد و معکوسی بر تفاوت ارزشی گذاشته است. منش سیاسی جوانان و والدین به‌طور متوسط تفاوت ارزشی را تبیین کرده است. اما این تبیین نزد جوانان معکوس بوده است. بیشترین تفاوت در حوزه منش اجتماعی دیده شده است درحالی که منش اجتماعی تا حدی تبیین کننده تفاوت ارزشی نزد جوانان بوده است، این منش به قدر متوسط و معکوس این تفاوت را نزد والدین نشان می‌دهد. همچنین منش فرهنگی در هر دو مورد ضمن اینکه به‌طور متوسط تبیین کننده تفاوت بوده است اما در نزد هر دو این تفاوت معکوس بوده است. در مجموع می‌توان تفاوت ارزشی را نزد هر دو گروه جوان و والدین ملاحظه کرد.

کلیدواژه، ارزش، منش، جوان، والدین، شکاف نسلی، عوامل اجتماعی.

<sup>۱</sup> - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، استادیار گروه جامعه‌شناسی، بابل، ایران / [mfilib@yahoo.com](mailto:mfilib@yahoo.com)

<sup>۲</sup> - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل / [fcherati@yahoo.com](mailto:fcherati@yahoo.com)

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

«تغییرات بنیادی در ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی جوانان، بین نسل جوان امروز و نسل جوان آستانه‌ی انقلاب، تفاوت‌های اساسی و جدی ایجاد کرده‌است. به‌طورکلی طبعاً نمی‌توان از نسل جوان کنونی با سطح اشتغال، تحصیل و... کاملاً متفاوت، انتظار همان آرمان‌ها و علایق نسلی قبل را داشت و چنین انتظاری بیهوده و غیرقابل قبول است.» (کمالی، ۱۳۸۷، ۳۳۲) رخ‌دادهای عظیمی همچون انقلاب سال ۱۳۵۷ و رخ‌داد جنگ تحمیلی و برجای ماندن ده‌ها هزار شهید، جانباز، آزاده و... از آنجا که طبعاً نگرش آنها بر جامعه توزیع شده‌است، نسل پیشین را به‌طور مستقیم با خود درگیر کرده بود. امری که نسل جدید با آن در قالب خاطرات، عکس‌ها، فیلم‌ها و نوشته‌ها به گونه‌ای غیرمستقیم مواجه شده است.

مانه‌ایم که خود یکی از مفسرین مهم در پدیده‌ی شکاف نسلی است، تغییرات سریع فرهنگی را موجد آن دانسته و بیان می‌کند که برای تغییرات سریع فرهنگی «تغییرهای سنتی و میراث‌های فرهنگی به جای مانده از نسل‌های قبلی، ازسوی بخش مهمی از نسل‌های جدید به چالش کشیده می‌شود.» (معیدفر، ۱۳۸۳، ۶۱) در این‌که «آیا ارزش‌ها و باورهای جامعه‌ی ما در دهه‌های اخیر دگرگون شده یا اخیر عقاید مختلفی ابراز شده‌است. برخی معتقدند که تحولات اخیر موجب تغییر ارزش‌ها و باورها و سنت‌ها شده- است و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که اعتقاد به سنت‌ها و ارزش‌های جامعه با اندکی تغییر مثل گذشته پابرجاست.» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹، ۴)

«زمانی که منابع هویتی بین نسلی، تقویت کننده یکدیگر نباشد و پیوستگی نسلی را به همراه نداشته باشند زمینه برای ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می‌گردد. به گونه‌ای که اعضای جامعه وضعیت هویت خود را در نفی و تعارض با گذشتگان خود می‌بینند.» (رازقی، ۱۳۸۸، ۴۹۵) لذا در این بررسی یافتن سرچشمه‌های این تفاوت مسأله قابل تأملی است که قصد یافتن تبیین آن را داریم. از این روی برای جلوگیری و یا حداقل پیش‌بینی دگرگونی‌های سریع فرهنگی که می‌تواند عامل مخربی برای جامعه باشد تأکید بر ارزش‌ها یا همان عقاید و باورهایی که مبتنی بر اصول دینی و عرفی و منش ملی است درخور توجه به نظر می‌رسد.

## ۲- اهمیت تحقیق

توجه به جوانان و مسائل مرتبط به آنها از آن روی حائز اهمیت است که این طبقه سنی قرار است در آینده‌ای نزدیک سکان هدایت بسیاری از امور شهر و کشور را بر عهده بگیرند و جانشین نسل پیشین شوند و راه آنها را ادامه دهند. در این سوی روال اجتماعی شدن چنان‌که باید و شاید اگر رخ ندهد، دوگانگی میان نسل والدین و جوان بروز کرده و می‌تواند سبب شکاف گردد.

در گذشته انتقال از نسلی به نسل بعد را مشارکت روزمره کودکان در زندگی بزرگ‌ترها تضمین می‌کرد. هر جا که مردم کار می‌کردند و نیز هر جا که به تفریح و سرگرم کردن خود می‌پرداختند. حتی در بیغوله‌هایی که شهرت سوء داشتند، کودکان با بزرگ‌ترها مختلط بودند. آن‌ها به این ترتیب هنر زندگی کردن را از روی تماس‌های روزمره می‌آموختند. (هانت، ۱۳۷۳، ۲۹۳) اینک باید توجه کرد که اجتماعی شدن اگر به‌طور کامل، مجزا از نهاد خانواده نشده باشد، بخش عظیمی از آن خارج از این نهاد اولیه اتفاق می‌افتد و اگر هم‌سویی میان نهاد خانواده (والدین) و نهادهای ثانویه (آموزش و پرورش، گروه‌های ورزشی، انجمن‌های گوناگون، رسانه‌های جمعی و...) وجود نداشته باشد، این واگرایی منتج به بروز تنش و اختلاف و نهایتاً پیدایش شکاف میان جوانان و والدین خواهد شد.

به همین ترتیب و با توجه به این‌که در جوامع توسعه یافته و رو به توسعه سیر تحرک اجتماعی عمودی (صعودی و نزولی) موجود و از لوازم ضروری موجودیت توسعه می‌باشد، «شغل» جنبه‌ی صرفاً اقتصادی (تأمین معیشت خانوادگی) خود را به حوزه‌ی اجتماعی گسترش داده است و اینک نه صرفاً برای تأمین معاش بلکه برای کسب منزلت اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

این درحالی است که «سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از جوانان ۱۵-۲۴ ساله کشور علی‌رغم ترک تحصیل یا اتمام تحصیلات تا سطح مورد نظر وارد بازار کار نشده‌اند.» (هرندی و دیگران، ۱۳۸۷، ۲)

از آن‌جایی که یکی از ویژگی‌های پیدایش مسأله اجتماعی، همه‌گیر شدن و یا حداقل درگیر شدن بخش وسیعی از جامعه با آن است. (صدیق اورعی، ۱۳۷۴، ۲۷) درصد بالای بیکاری طیف وسیعی از جمعیت جوان کشور می‌تواند یک آسیب جدی به شمار رود. (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۶، ۱۲ و لوزیک، ۱۳۸۸، ۲۳)

از سویی دیگر موقعیت خاص زمانی که بر اثر گسترش سریع وسایل ارتباط جمعی آن را نسبت به دوره‌های پیشین (دوره‌ی نسلی والدین) مجزا ساخته‌است، مخاطره‌آمیز می‌نمایند. باید توجه داشت که «ناهمگونی و عدم تجانس ارزشی در بین جوانان بیشتر از دو نسل میانسال و بزرگسال است. این امر با توجه به جمعیت زیاد و فزاینده جوانان در کشور و هرم ساختاری تنوع جمعیتی از چالش‌های مهم مدیریت سیاسی جامعه محسوب می‌شود.» (پهلوان، ۱۳۸۶، ۱۶-۱۵)

با توجه به بازه سن مورد بررسی جوانان در این پژوهش (۱۵-۲۴ ساله) باید متذکر شد که این جوانان در فاصله‌ی زمانی ۱۳۷۵-۱۳۶۶ متولد شده‌اند لذا عملاً خاطره‌ای از رخداد مهم نسل والدین خود یعنی جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) ندارند و نیز از واقعه مهم داخلی، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و حوادث مرتبط با آن در سال‌های پیش از آن و نیز رخدادهای داخلی بعد از انقلاب، تنها به روایت تصاویر

و نوشته‌ها آگاهی دارند و برانگیختگی احساسات در آنها از آن حوادث را می‌توان در خد برانگیختگی احساس ناشی از تماشای یک فیلم دراماتیک تقلیل داد، درحالی که نسل والدین عملاً با آن حوادث چه از حضور در جبهه‌های جنگ و یا حضور عملی در جریان انقلاب اسلامی و یا به صورت حضور در راهپیمایی‌ها، حمایت‌های پشت جبهه، مراسم تشییع شهدا و... فعالانه درگیر بوده‌اند. در واقع آرمان‌ها و ارزش‌های یاد شده در جریان انقلاب تکیه‌گاه اصلی نسل فعال و در صحنه بوده و نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها، اجتماعات و فرایندهای انقلابی داشت، به طوری که از این منظر می‌توان این انقلاب را برحسب مفهوم استحاله ارزش‌ها، یک تحول بنیادین در زمینه‌ی ارزش‌ها دانست. (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳، ۵)

از جانبی دیگر روند مهاجرت روستا به شهر در استان قابل توجه است. طبیعی است که هر محیط اجتماعی ارزش‌های خاص خود را دارد و بسیاری از امور هنجاری و ارزشمند سابق در محیط روستایی (همچون کمک بلاعوض) عنوان ساده لوحی در محیط شهری می‌یابد و در واقع نوعی غیرارزش تلقی می‌شود.

به عبارتی هرچه میان موقعیت جغرافیایی زندگی والدین و جوانان مشابهت بیشتری وجود داشته باشد می‌توان انتظار نگرش‌های مشترک میان آنان را داشت و هرچه زمینه‌های جغرافیایی زندگی متفاوت‌تر باشد احتمال شکاف نسلی، افزایش خواهد یافت. (ترول، ۱۹۸۲، ۳۲)

در مجموع باید خاطر نشان ساخت «اگر نظامی، خواهان ماندگاری و دوام باشد می‌بایست به فراخور نسل‌های مختلف موجود در جامعه به فرهنگ‌سازی و بالندگی آرمان‌ها، ارزش‌ها و ارائه الگوهای عمل خاص جهت تحقق آرمان‌ها و ارزش‌ها مبادرت نماید. زیرا در جوامع جدید به واسطه رشد آموزش و ایجاد تنوع در سلیقه‌ها و نگرش‌های افراد و رشد فاصله‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین افراد و دگرگونی‌هایی که در فرآیند اجتماعی شدن افراد به اقتضای شرایط صورت می‌پذیرد، دیگر نمی‌توان انتظار یکسان بودن آرمان‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای اقشار مختلف را داشت.» (حسن زاده و مجیدی، ۱۳۸۷، ۱۸۹)

نسل جوان به اقتضای جوانی از روحیه‌ی خاصی برخوردار بوده، ضریب نوجویی و تغییرخواهی در آنها بالاست. اینان خواهان تجربه‌های جدیدند. تمایل به آزادی دارند و انسان‌هایی معطوف به آینده‌اند و نیز کسانی هستند که آینده را تعریف می‌کنند. (بورديو، ۱۹۸۴، ۱۵۱)

### ۳- پیشنهادی پژوهش

در زمینه بررسی ارزش‌ها و به‌خصوص شکاف ارزشی و نسلی در ایران و خارج از کشور پژوهش‌های قابل توجهی صورت گرفته‌است که هر یک جنبه‌هایی از آنچه رخ داده و یا در حال رخداد است را مشخص می‌کند.

به طور مثال آزاد ارمکی (۱۳۸۷) در پژوهشی برای مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، «براساس رویکردهای موجود در جامعه‌شناسی نسلی به بررسی اجمالی درباره‌ی نوع رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی پرداخته است.» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷، ۵۷۰) مسأله محوری در این تحقیق فهم این مسأله بوده است که آیا نسل‌های سه‌گانه‌ی جامعه تهرانی به حالت توافقند یا تعارض و کشمکش؟ در صورت وجود توافق در رابطه‌ی بین نسل‌ها، چه عاملی در این زمینه تعیین کننده‌تر بوده است؟ در مجموع نتایج به‌دست آمده نشان داد که «نسل جدید نوحه‌خواه و جهانی است در حالی که نسل گذشته میل به حفظ وضعیت موجود در قالب سنن اجتماعی و فرهنگی را دارد. آنها به دلیل تمایزات فرهنگی از یکدیگر باز شناخته می‌شوند و به لحاظ مشکلاتی که برای دیگری می‌آفرینند دچار مشکل هستند.» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷، ۵۸۲) در جامعه‌ی ایرانی عوامل متعددی را نیز می‌توان جهت پیوند میان نسل‌ها یافت که از مهمترین آنها خانواده است.

در پژوهشی دیگر احمدی (۱۳۸۷)، به مطالعه و مقایسه نگرش‌ها، خواست‌ها و نظام ارزش والدین و جوانان (در ابعاد چهارگانه ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی)، بررسی تئوریک و تجربی ابعاد آن و شناخت برخی از عوامل مؤثر بر آن پرداخته است. طبق یافته‌های این پژوهش بررسی وضعیت شکاف در ارزش‌های اجتماعی بین جوانان و والدین نشان داد که در تمامی گویه‌های مربوط به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی میانگین پاسخ‌های والدین و فرزندان متفاوت است. (همان، ۲۰۲)

پهلوان (۱۳۸۶) در پژوهشی به توصیف، تحلیل و تبیین تغییر ارزش‌ها پرداخته است. طبق نتایج ارائه شده در تعیین جهت و تغییر ارزش‌های اجتماعی و جوانان (متغیر اصلی) در کنار متغیرهای تجارب نسلی، هویت نسلی و موقعیت نسلی، متغیرهای اقتصادی- اجتماعی دیگری وجود دارد مثل جنسیت، سطح سواد، تاهل، سن، نوع شغل و سطح درآمد که در مقایسه با مقولات نسلی از تأثیرگذاری خاصی برخوردار است.

رازقی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با نام تأملی در تفاوت نسلی و هویت بومی مازندرانی در پی آن بود که بین نسل جوان و نسل بزرگسال از حیث هویت بومی و میزان تعلق خاطر به فرهنگ و آداب بومی مازندران چه تفاوتی وجود دارد؟ او ورود تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و تحولات اجتماعی گسترده را عامل مهم تهدید کننده‌ی هویت بومی دانسته و اعتقاد دارد که می‌توان این چالش را در تفاوت و تضاد هویتی نسل‌های جوان با نسل‌های گذشته مشاهده نمود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین هویت مازندرانی و سن افراد رابطه معناداری وجود دارد. در واقع هرچه قدر به سن افراد در هر دو نسل افزوده می‌شود، احساس تعلق خاطر آنها به فرهنگ و هویت مازندرانی نیز بیشتر می‌شود.

ترول (۱۹۸۲) به بررسی زندگی خانوادگی در سنین میانی و پیری پرداخته و متغیر مستقل خود را در

ازای متغییر وابسته‌ای با نام ارزش‌ها و احساسات و نگرش‌ها، مکان جغرافیایی زیستی در نظر می‌گیرد. پژوهشگر به این نتیجه می‌رسد که هرچه موقعیت جغرافیایی زندگی والدین و جوانان مشابه هم باشد نگرش‌های مشترکی بین آنها وجود خواهد داشت و تفاوت و شکاف کمتر در ارزش‌هایشان دیده می‌شود و هرچه مشکلات جغرافیایی زندگی متفاوت باشد احتمال شکاف نسلی بیشتر است. (ترول، ۱۹۸۲، ۳۲)

پارکز و رابرتسون (۲۰۰۸) به شکاف ارزشی در حوزه‌ی نگرش به نقش‌های جنسیتی پرداخته‌اند. این پژوهش به این نتیجه رسیده‌است که جوانان مذکر ۱۸ تا ۲۲ ساله گرایش دارند در امور ارزشی بزرگسالان هم‌جنس خود مشارکت کنند. این درحالی است که این گرایش در میان جوانان دختر به دو بخش نقش‌های جنسیتی و غیرجنسیتی تقسیم می‌شود و نشانگر شکاف نگرشی بین دختران جوان و بزرگسالان در مورد نقش‌های اجتماعی است. (پارکز و رابینسون، ۲۰۰۸، ۲۷۶)

فریدنبرگ (۱۹۶۹) معتقد است که سیستم قضایی، اداری، مالیات و مدرسه (آموزش) بر افزایش تضاد ارزشی بین جوانان و والدین اثر می‌گذارند و نوعی کارکرد منفی برای آن سازمان‌ها در ایجاد شکاف ارزشی قائل است. (فریدنبرگ، ۱۹۶۹، ۳۲)

مور (۱۹۹۹) پیمایشی را بر روی نمونه‌ای ۱۲۷۱ نفری از ژاپنی‌های نسل دوم، سوم و چهارم مهاجر به آمریکا انجام داد و هدف آن تعیین میزان و ماهیت تغییر تفاوت ارزش‌ها در ۳ نسل و تست تئوری و مقیاس نظام ارزش‌های شوارتز از نظر قابلیت آن در نشان دادن تفاوت ارزشی در سطح یک جامعه‌ی معین و میان نسل‌های مختلف آن بوده‌است. مهمترین نتیجه به دست آمده این بوده که بیشترین تغییر ارزشی در نسل دوم رخ داده و دیگر این که اولویت‌های ارزشی به شیوه‌ای سیستماتیک طی این نسل‌ها تغییر کرده اما نه به قدر مورد انتظار. بنابراین تئوری ساختار عام نظام ارزش‌ها شوارتز، در نسل سوم و چهارم تأیید و در نسل دوم رد می‌شود. (مور، ۱۹۹۹، ۱۱۹)

#### ۴- مبانی نظری

ارجاع به ارزش‌ها از جمله پایدارترین صفت‌های جامعه‌شناسان کلاسیک مثل دورکیم و وبر است به طوری که می‌توان آن را یکی از رهیافت‌های اصلی تفکرشان تلقی نمود. وبر بر اهمیت «پورتیانسیم» در تکوین سرمایه‌داری تأکید می‌کند. دورکیم نیز تفاوت میان دو نوع همبستگی که محور نظریه‌اش در تقسیم کار اجتماعی است را به دو ادراک در دو نوع جامعه که کاملاً متفاوت و مشروع شمرده می‌شود نسبت می‌دهد. از یک سو، جذب شدن فرد در واحد جمعی، مطرح است و از سوی دیگر، جامعه‌ای که نتیجه کوشش مساعی انفرادی هماهنگ و کنترل شده‌است. از نظر دورکیم و وبر، قوام واحد اجتماعی به ارزش‌هایی وابسته است که افراد به اشتراک، آن را پذیرفته‌اند و با آن همانندی یافته و درونی

کرده‌اند. (آرون، ۱۳۷۲، ۳۰) وی با اشاره به سرچشمه ارزش‌ها، به روند شکل‌گیری بحران‌های بزرگ در دوره‌های انقلابی می‌پردازد و روحیه جمعی را مطرح می‌کند. دورکیم با بیان وجدان جمعی به اهمیت و نقش ارزش‌ها در دو حوزه همبستگی مکانیکی و ارگانیک می‌پردازد. (کوزر، ۱۳۷۱، ۱۹۰) ماکس وبر با شناخت عمیق و تحلیل ساختاری دقیق خود از نهادهای اجتماعی به صورت تطبیقی توانست نقش ارزش‌ها در تبیین کنش افراد را در یک چهارچوب نظری قرار دهد. اهمیت کار او در روش تحلیل نظام کنش‌های اجتماعی است که در درون آنها باورها، ارزش‌ها و نیز نیروهای اقتصادی بر کنش تأثیر می‌گذارند. وبر در همسویی با دورکیم معتقد بود که ارزش‌ها پدیده‌ای اجتماعی و ساخته اجتماع‌اند. آفرینش ارزش‌ها پدیده‌ای اجتماعی و تاریخی است پارسونز کنش را محدود به ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه می‌داند. وی می‌گوید یک عمل اجتماعی مشتمل بر مجموعه‌ای از انتخاب‌هایی است که توسط عامل صورت می‌گیرد و جهت‌گیری عامل با ارجاع به انگیزه و ارزش صورت می‌گیرد. (اسکیدمور، ۱۳۷۵، ۷۶)

تالکوت پارسونز بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها به منظور برقراری نظم اجتماعی در جامعه تأکید می‌کرد. نظم اجتماعی از قاعده‌هایی که بر سود شخصی نظارت دارد و از توسعه نظام‌های ارزشی مشترک که شیوه‌های معناداری را در اختیار فرد قرار می‌دهد که بین مجموعه‌ای از کردارها، کردار مناسب را انتخاب کند، ناشی می‌شود. (راب استونز، ۱۳۷۹، ۱۵۴) پارسونز معتقد است چون ارزش‌ها، اجتماعی‌اند و در عمل شرایط ساخت کنش را شکل می‌دهند، بسیار متنوع بوده و کافی است آنها را به چند نوع اساسی که الگوهای تحلیلی را تشکیل می‌دهند تبدیل کنیم.

به نظر کلاکون و استرادبرگ نظام ارزش‌های یک جامعه فقط از ارزش‌های مسلط تشکیل نشده‌اند. بلکه شامل مجموعه‌ای است که به شکل سلسله مراتبی متغیر در هم آمیخته‌اند. بنابراین هنگام طرح تصویر کامل جهان، ارزش‌های یک جامعه معین باید این مجموعه و نظام سلسله مراتبی آن را در نظر داشته باشیم. طرح تصویر کلی و مبتنی بر سلسله مراتب می‌تواند به خصوص در تبیین و پیش‌بینی تغییرات اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد و در واقع ارزش‌های متحول می‌توانند شاخصی برای تحول جامعه به شمار آیند. (غفاری، ۱۳۸۶، ۱۱)

شوارتز ارزش‌ها را به عنوان راهنمای اصول زندگی مفهوم‌سازی می‌نماید و درنهایت، ارزش‌ها را همچون اهداف فراموقعیتی با درجات متفاوتی از اهمیت تعریف می‌کند که چون راهنما در خدمت زندگی فرد با دیگر واقعیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. (فرامرزی، ۱۳۷۸، ۱۱۵) شوارتز با تجدید نظر در کار روکیچ در قالب ارزش‌های غائی و ابزاری، گستره بیشتری را برای ارزش در نظر می‌گیرد. (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳، ۶۴)

اینگلهارت نیز با استفاده از مقیاسی که حاوی دوازده ارزش است تفاوت ارزش‌های مربوط به هر نسل را مورد توجه قرار داده است. «نظریه اینگلهارت در خصوص دگرگونی ارزش‌ها، پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابه‌جایی بلند مدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد.» (پهلوان، ۱۳۸۴، ۱۱۱) او همچنین اعتقاد دارد که «جابه‌جایی جمعیت از نسلی به نسل دیگر به همراه خود یک سری تغییرات و دگرگونی‌هایی را خواه ناخواه به همراه دارد.» (همان) برای مثال، بسیاری از برداشت‌های نسل قبل از موضوعی به خصوص با قرائت نسل جدید متفاوت است زیرا نسل جدید پرسش‌ها و باورهای متفاوت نسبت به آن موضوع دارد که بی‌کفایتی پاسخ‌های موجود موجب تغییر نگرش نسل جدید می‌شود، متهمی این جهت‌گیری صبغه‌ای فرامادی خواهد داشت.

### ۵- چارچوب نظری

استفاده از چارچوب نظری، در واقع مشخص‌ساختن محدوده‌ای است که قرار است در آن مسأله، مورد جستجو قرار گیرد. در عین حال الگویی در دست خواهد بود که می‌توان به استناد آن مسأله و حدود آن را راحت‌تر و بهتر شناسایی کرد. همچنین از برآیند الگو نظری و آنچه در واقعیت مورد جستجوست می‌توان مدلی را تجسم کرد و به طور انتزاعی وقایع مرتبط با هم را شناسایی نمود. از این رو در پژوهش حاضر از میان همه مبانی مرتبط با ارزش‌ها که می‌توانستند چارچوب این نوشتار باشند، کارکردگرایی در نوع پارسونزی آن به عنوان چارچوب نظری برگزیده شد.

برای گزینش کارکردگرایی دلایلی مطرح بوده است که از اهم آن می‌توان موارد ذیل را برشمرد،  
 ۱- کارکردگرایی در نوع پارسونزی آن به خوبی تمامی جوانب ارزش مرتبط با جامعه را پوشش می‌دهد. تقسیم‌سازو کارهای جامعه به نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، گویای آن است.

۲- کارکردگرایی در طول دوران پیدایش و رشد و تکامل خود به خوبی جا افتاده و به اصطلاح یک نظریه‌ی تمام‌عیار نسبت به آرای مشابه خود است.

۳- ابهام در تقسیم‌بندی ارزش‌ها در ابعاد مختلف خود کمتر در کارکردگرایی وجود دارد.

۴- به‌خاطر گویایی بیشتر نسبت به نظریات مشابه، ساختن شاخص و یا یافتن ارزش در بخش‌های چهارگانه‌ی آن آسانتر و از احتمال خطا و یا همپوشانی ارزش‌ها کمتر بوده است.

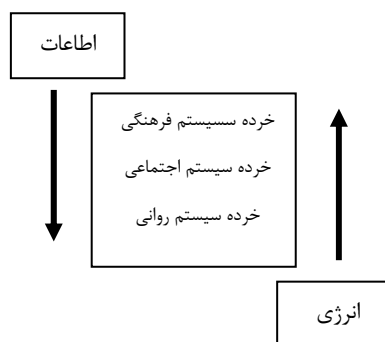
۵- از سویی به جهت عام بودن نظر پارسونز احتمال تطابق آرای او با هر جامعه‌ای و از جمله جامعه‌ی ما بیشتر از سایر نظریات مطرح شده وجود دارد.



در دیدگاه کارکردگرایی و به‌خصوص تئوری پارسونز هیچ چیزی در جامعه بی‌جهت نیست، وجودش ضرورتی دارد. براین اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری جزء نظریه‌های توافق است، از این منظر «ارزش‌ها و هنجارهای مشترک برای جامعه، بنیادی است و بر نظم اجتماعی مبتنی بر توافقی‌های ضمنی تأکید می‌ورزد و دگرگونی اجتماعی را دارای آهنگی کند و سامان‌مند می‌داند.» (ریتزر، ۱۳۷۴، ۱۱۸) از جانب دیگر پارسونز به عنوان مهمترین نظریه‌پرداز این دیدگاه معتقد است که «بقای جامعه مستلزم تعدیل کردن سیستم ارزشی عامی است که تمام اعضا و ساختارهای جدید سیستم را دربرگیرد. چنین سیستم ارزشی برای آن‌که نیازهای همگانی را بر آورده سازد، بیش از پیش عام و انتزاعی می‌شود. حرکت به سوی هنجارهای تعمیم یافته غالباً موجب جریحه‌دار شدن احساسات گروه‌های کوچک‌تر خاص (گروه‌های ذینفع) می‌شود و این به نوبه‌ی خود می‌تواند منجر به مقاومت هنجارهای جدید، بروز تنش و بروز تغییرات اجتماعی بیشتری شود که سیستم اجتماعی باید به گونه‌ای متمایز و به دنبال آن یکپارچه کند.» (دیلینی، ۱۳۸۷، ۳۷۱)

پارسونز معتقد است چون ارزش‌ها، اجتماعی‌اند و در عمل شرایط ساخت کنش را شکل می‌دهند، بسیار متنوع بوده و کافی است آنها را به چند نوع اساسی که الگوهای تحلیلی را تشکیل می‌دهند تبدیل کنیم.

پارسونز با استفاده از مفهوم کنش اجتماعی سلسله مراتبی را پیشنهاد می‌کند بدین معنا که خرده سیستم‌ها بر حسب غنای اطلاعاتی و فقر انرژی نظم یافته‌اند.



سیستم فرهنگی در رأس قرار دارد چون اساساً از عناصر نمادین مثل شناخت و ارزش‌ها تشکیل شده‌است و برعکس سیستم بیولوژی در پایان قرار دارد. هرچند پارسونز در این سلسله مراتب از ارزش‌ها سخنی به میان نمی‌آورد. ولی با استفاده از نوع سلسله مراتب و نهادهایی که او در این سلسله مراتب مطرح می‌کند می‌توان به نوعی ربط ارزشی پرداخت و آن را نوعی سلسله مراتب ارزشی به حساب آورد.

براساس این سلسله مراتب، ارزش‌های اخلاقی و معنوی در رأس قرار می‌گیرند. زیرا ضامن حفظ نظم و تعادل و حفظ فرهنگ هستند. در رده‌بندی ابتدا ارزش‌های حقوقی و هنجارهای اجتماعی دارای اهمیت هستند و سپس ارزش سیاسی که سبب نظم بخشیدن به جامعه و ضامن انجام و رعایت هنجارهای جامعه‌اند و در پایین‌ترین رده نهادهای اقتصادی و به عبارتی ارزش‌های اقتصادی قرار دارند که ضامن ادامه حیات و توالی زیستی جامعه‌اند.

مدل‌واره‌ی زیر سطوح انتزاعی و فرعی کارکردی جامعه را نشان می‌دهد.

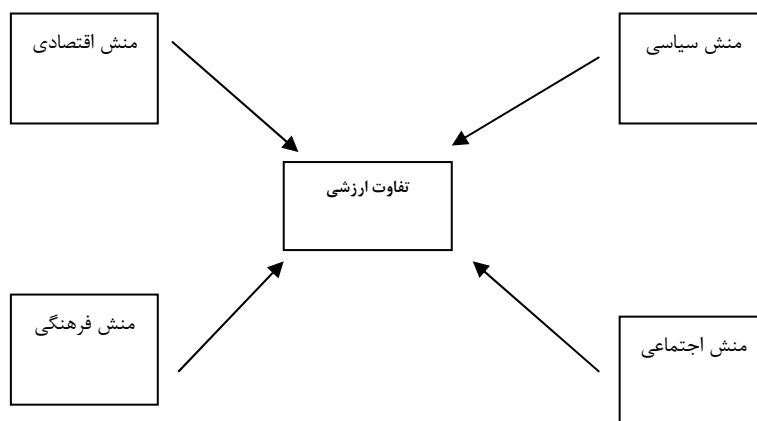
سیاست	اقتصاد
اجتماع جامعی	نهادهای جامعه‌پذیری

به این ترتیب منش‌های مورد توجه در این نوشته نیز در سطح جامعه خود در مدل فرعی به شکل زیر

می‌تواند ارائه شود.

منش‌های سیاسی	منش‌های اقتصادی
منش‌های اجتماعی	منش‌های فرهنگی

گسترده‌گی ابعاد هریک از بخش‌های مدل بر کسی پوشیده نیست و سنجش ارزش‌ها در همه‌ی ابعاد، کاری دشوار و چه بسا ناممکن است. لذا جهت سنجش ارزش و تفاوت‌های اجتماعی آن میان دو گروه مورد بررسی جوانان و والدین (پدر و مادر) ابعاد مشخصی از آن مدنظر قرار گرفته است و از ترکیب و ادغام و گزینش عوامل گوناگون مدل فرضی زیر استنتاج شده است، بنابراین فرضیه محوری پژوهش این است که بین میزان مشابهت انواع منش‌های جوانان و والدین با میزان تفاوت ارزشی تفاوت معناداری وجود دارد.



### ۶- روش تحقیق

این پژوهش با روش پیمایشی انجام شده است با این حال گردآوری اطلاعات مرتبط با مباحث نظری و تئوری به روش اسنادی تهیه شده و داده‌های مورد استناد از روش میدانی یا پیمایش و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

سطح تحلیل در این بررسی خرد و واحد تحلیل جوانان و والدین بوده است. به این دلیل جمعیت جوان ۲۴\_۱۵ ساله شهر ساری بر حسب تعریف واحد جوانان سازمان ملل به عنوان جمعیت مورد بررسی مطرح نظر بوده و از میان آنها ۲۶۶ نفر به عنوان نمونه بر حسب فرمول کوکران (بیبی، ۱۳۸۷) برگزیده شده‌اند.

بعد از انتخاب جوانان، جهت دقت هرچه بیشتر نتایج، ترجیح داده شد تا جهت بررسی تفاوت ارزشی، والدین همان جوانان مورد بررسی قرار گیرند که به این منظور ۵۳۲ نفر پدر و مادر (والدین) مورد پرسش قرار گرفتند. همچنین شهر ساری به ۸ بخش فرضی تقسیم شد و پرسشنامه‌ها بر حسب سن و جنس جوانان به طور نسبتاً برابر در این ۸ بخش توسط پرسشگران آموزش دیده زن تکمیل گردید. جهت ارزیابی روایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که به طور خلاصه جدول زیر نشان دهنده سطح روایی در هر دو مورد والدین و جوانان است.

متغیر	مقدار آلفای کرونباخ
منش اقتصادی	۰/۶۳
منش سیاسی	۰/۶۲
منش اجتماعی	۰/۷۰
منش فرهنگی	۰/۸۲
تفاوت ارزشی	۰/۶۶

### ۷- تعریف مفاهیم

#### ۷-۱- عوامل اجتماعی (Social Factors)

منظور از عوامل اجتماعی «عواملی هستند که از نظر جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند. این عوامل هم می‌تواند به طور مستقیم بر افراد اثر بگذارد و هم به طور باواسطه با تأثیر بر فرد و ایجاد عامل یا عوامل مؤثر دیگر روانی، فرهنگی و...» (شایان‌مهر، ۱۳۷۹، ۴۳۳)

### ۲-۷- ارزش‌ها (Value)

«عقایدی که افراد یا گروه‌های انسانی درباره‌ی آنچه که مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزش‌های مختلف نمایان‌گر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است.» (گیدنز، ۱۳۷۶، ۷۸۷)

آلن بیرو درباره‌ی ارزش‌های اجتماعی می‌نویسد، «ارزش‌های اجتماعی را مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، تشکیل می‌دهند. ارزش‌های اجتماعی لزوماً از دیگر اقسام ارزش (شخصی، فرهنگی و...) متمایز نیستند. اینان شامل تمام ارزش‌هایی می‌شوند که مردم با آن حیات اجتماعی خود را می‌گذرانند و اعضای جامعه در برابر آنان به نوعی وفاق رسیده‌اند.» (بیرو، ۱۳۷۵، ۳۸۶)

### ۳-۷- منش (منش ملی) character (National character)

منش، الگوهای رفتاری و رویکردهای نسبتاً ثابت و مسلط در یک فرد است. اما منش ملی «ترکیبی از صفات و ویژگی‌های شخصیتی گوناگون است که به گونه‌ای مشترک در میان اعضای یک جامعه یا فرهنگ یافت می‌شود. منش ملی به الگوهای رفتار و رویکردهای مسلط بر یک فرهنگ اطلاق می‌شود.» (کوئن، ۱۳۷۷، ۹۰)

### ۴-۷- شکاف نسل (Generation gap)

تفاوت ارزشی میان جوانان و والدینشان به تفاوت ارزشی میان دو نسل برمی‌گردد و از این رو این تفاوت گاه منجر به تضاد ارزشی نیز می‌شود که اختلاف بین دو نسل را نشان می‌دهد. «رایج‌ترین مفهوم به کار رفته درباره‌ی اختلاف نسلی، مفهوم شکاف نسلی است. در فرهنگ آکسفورد شکاف نسلی به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است که موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود.» (معدفر، ۱۳۷۸، ۱۳۷)

### ۵-۷- جوان (Young) و والدین (Parents)

«جوان به فردی اطلاق می‌شود که از نظر فکری اندک اندک با خانواده فاصله می‌گیرد اما هنوز خود به آن درجه از استقلال مادی، اقتصادی یا فکری نرسیده که بتواند خانواده مستقل تشکیل دهد.» (پهلوان، ۱۳۸۴، ۳) تعیین یک پارامتر سنی برای دوره‌ی جوانی کار ساده‌ای نیست برای مثال، در ایران ۱۴ تا ۲۹ سال، در اتریش ۱۵ تا ۲۵ سال، در مالزی زیر ۴۰ سال، از سوی یونسکو ۱۵ تا ۴۰ سال به عنوان محدوده‌ی سنی

دوره‌ی جوانی تعریف شده است اما واحد جوانان ملل متحد مستقر در اداره‌ی امور اجتماعی و اقتصادی دبیرخانه سازمان ملل متحد سن ۱۵ تا ۲۴ سال را محدوده‌ی سن جوانی دانسته‌اند. از آن جهت که در این پژوهش فرض بر مقایسه‌ی ارزش‌های والدین و جوانانی است که ضمن این‌که در کنار هم (در یک خانواده) زندگی می‌کنند احتمالاً دارای تفاوت‌های ارزشی هستند، بازه‌ی سنی ۱۵ تا ۲۴ سال (معیار واحد جوانان سازمان ملل متحد) معیار شناسایی دوره‌ی جوانی لحاظ شده‌است. منظور از والدین در این پژوهش زن و مردی است که فرزند (دختر یا پسر) ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ای دارند که حاصل ازدواج آن دو با هم باشد. به عبارتی دیگر مادر و پدر حقیقی (نه پدرخوانده و یا مادرخوانده) کسانی هستند که دارای حداقل یک فرزند ۱۵ تا ۲۴ ساله (جوان) مجرد باشند.

#### ۸- یافته‌ها و نتایج تحقیق

##### ۸-۱- مشخصات کلی

- تعداد جوانان مورد بررسی در نمونه ۲۶۶ نفر بوده است که از این میان ۱۳۲ نفر دختر و ۱۳۲ نفر پسر بوده‌اند همچنین مادران و پدران (والدین) مورد بررسی در مجموع ۵۳۲ نفر بوده‌اند.
- کمترین سن گزارش شده برای جوانان ۱۵ سال و حداکثر آن ۲۴ سال بوده است.
- بازه سنی والدین از ۳۸ تا ۵۶ سال متغیر و میانگین سن ایشان ۴۵ سال بوده است.
- تمامی جوانان مورد بررسی مجرد بوده و در کنار خانواده زندگی می‌کردند.
- جوانان دارای تحصیلات زیر دیپلم ۲۷/۱ درصد، دیپلم ۲۵/۲ درصد، فوق دیپلم ۲۲/۶ درصد و لیسانس ۲۵/۲ درصد از کل جوانان را تشکیل می‌دادند. در میان والدین تحصیلات ۴۵/۵ درصد زیر دیپلم، دیپلم ۳۲ درصد، فوق دیپلم ۸/۸ درصد، لیسانس ۱۰/۲ درصد و فوق لیسانس ۳/۶ درصد از کل جوانان را تشکیل می‌دادند.
- حدود ۶۹ درصد از جوانان جهت تأمین نیازهای مادی خود از جمله پول توجیبی و هزینه‌های تحصیلی به خانواده خود وابسته بوده‌اند.
- ۶/۸ درصد از جوانان مورد بررسی بعد از ۱۵ سالگی ساکن شهر ساری شده‌اند.
- والدینی که پیش از ۱۵ سالگی خود در شهر ساری پرورش یافته‌اند ۳/۹ درصد از کل نمونه والدین را تشکیل داده‌اند.
- ۸۸/۵ درصد از خانواده‌های مورد بررسی بیش از ۲۰ سال ساکن ساری بوده‌اند.

## ۹- آزمون فرضیات

فرضیه شماره ۱، به نظر می‌رسد میزان مشابهت منش اقتصادی جوانان با والدینشان بر تفاوت ارزشی میان آنها مؤثر است.

جدول شماره ۱، همبستگی میان انواع منشها با تفاوت ارزشی

والدین		جوانان		متغیرها
سطح معنی داری	میزان همبستگی	سطح معنی داری	میزان همبستگی	
۰/۰۰	-۰/۵۰	۰/۰۰	۰/۲۵	منش اقتصادی
۰/۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰	-۰/۲۵	منش سیاسی
۰/۰۰	-۰/۴۷	۰/۰۰	۰/۲۵	منش اجتماعی
۰/۰۰	-/۵۰	۰/۰۰	-۰/۴۳	منش فرهنگی

با توجه به سطح معنی داری در هر دو مورد چون  $Sig = 0/00$  ( $Sig < 0/05$ ) پس ارتباط بین دو متغیر در هر دو مورد معنی دار است و میزان همبستگی در مورد والدین  $-۰/۵۰$  می‌باشد و میزان همبستگی در مورد جوانان  $۰/۲۵$  است. این بدان معناست که منش اقتصادی عمومی جامعه بر تفاوت ارزشی والدین با فرزندانیشان از نظر والدین به‌طور متوسط و معکوس، اما از نظر جوانان به‌طور تقریباً متوسط و مستقیم تأثیرگذار بوده‌است. بنابراین هرچه میزان مشابهت منش اقتصادی جوانان با والدینشان کمتر باشد تفاوت ارزشی میان آنها بیشتر می‌شود.

فرضیه شماره ۲، به نظر می‌رسد میزان مشابهت منش سیاسی جوانان با والدینشان بر تفاوت ارزشی میان آنها مؤثر است.

با توجه به سطح معنی داری در هر دو مورد چون  $Sig = 0/00$  ( $Sig < 0/05$ ) پس ارتباط بین دو متغیر در هر دو مورد معنی دار است و میزان همبستگی در مورد والدین  $۰/۲۳$  می‌باشد و میزان همبستگی در مورد جوانان  $-۰/۲۵$  است. این بدان معناست که منش سیاسی عمومی جامعه بر تفاوت ارزشی والدین با فرزندانیشان از نظر والدین تقریباً متوسط، اما از نظر جوانان به‌طور تقریباً متوسط و معکوس تأثیرگذار بوده‌است. بنابراین هرچه میزان مشابهت منش سیاسی جوانان با والدینشان کمتر باشد تفاوت ارزشی میان آنها بیشتر می‌شود.

فرضیه شماره ۳، به نظر می‌رسد میزان مشابهت منش اجتماعی جوانان با والدینشان بر تفاوت ارزشی میان آنها مؤثر است.

باتوجه به سطح معنی‌داری در هر دو مورد چون  $\text{Sig} = 0/00$  ( $\text{Sig} < 0/05$ ) پس ارتباط بین دو متغیر در هر دو مورد معنی‌دار است و میزان همبستگی در مورد والدین  $0/47-$  می‌باشد و میزان همبستگی در مورد جوانان  $0/25+$  است. این بدان معناست که منش اجتماعی عمومی جامعه بر تفاوت ارزشی والدین با فرزندانیشان از نظر والدین به‌طور متوسط و معکوس، اما از نظر جوانان به‌طور تقریباً متوسط و مستقیم تأثیرگذار بوده‌است. بنابراین هرچه میزان مشابهت منش اجتماعی جوانان با والدینشان کمتر باشد تفاوت ارزشی میان آنها بیشتر می‌شود.

فرضیه شماره ۴، به نظر می‌رسد میزان مشابهت منش فرهنگی جوانان با والدینشان بر تفاوت ارزشی میان آنها مؤثر است.

با توجه به سطح معنی‌داری در هر دو مورد چون  $\text{Sig} = 0/00$  ( $\text{Sig} < 0/05$ ) پس ارتباط بین دو متغیر در هر دو مورد معنی‌دار است و میزان همبستگی در مورد والدین  $0/50-$  می‌باشد و میزان همبستگی در مورد جوانان  $0/43-$  است. این بدان معناست که منش فرهنگی عمومی جامعه بر تفاوت ارزشی والدین با فرزندانیشان از نظر والدین متوسط و معکوس و از نظر جوانان نیز متوسط و معکوس تأثیرگذار بوده‌است. بنابراین هرچه میزان منش فرهنگی جوانان با والدینشان شبیه‌تر باشد تفاوت ارزشی میان آنها کمتر می‌شود.

#### ۱۰- رگرسیون چند متغیره

برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین متغیرها و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تفاوت ارزشی از رگرسیون چند متغیره استفاده شده‌است. نتایج رگرسیون با توجه به جداول ANOVA در هر دو مورد جوانان و والدین  $\text{sig} = 0/00$  که نشان می‌دهد ارتباط بین متغیرها معنی‌دار است و تمام متغیرهای مستقل انتخاب شده در این تحقیق در جدول مورد والدین (جدول شماره ۱)  $(R^2=0/47)0/47$  علل تفاوت ارزشی را شامل می‌شوند و  $0/53$  باقیمانده مربوط به علل دیگر می‌باشند و در جدول مورد جوانان (جدول شماره ۳) تمام متغیرهای مستقل انتخاب شده در تحقیق  $(R^2=0/40)0/40$  علل تفاوت ارزشی را شامل می‌شوند و  $0/60$  باقیمانده مربوط به علل دیگر می‌باشند.

جدول شماره ۲، نتایج رگرسیون چندمتغیره به تفکیک والدین و جوانان (منش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)

**Model summary**

	Model	R	R square	Adjusted R square	Std. Error of the Estimate
والدین	۱	۰/۶۸۶	۰/۴۷۰	۰/۴۶۵	۰/۴۴۸۵
جوانان	۱	۰/۶۳۸	۰/۴۰۷	۰/۳۹۸	۰/۴۷۸۹

جدول شماره ۳، جدول آنالیز واریانس (متغیر مستقل، منش اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی / متغیر وابسته، ارزش)

	Model	Sum of squares	df	mean squares	F	Sig.
والدین	Regression	۹۴/۰۱۶	۴	۱۸/۸۰۳	۹۳/۴۶۵	۰/۰۰
	Residual	۱۰۵/۸۲۰		۰/۲۰۱		
	total	۱۹۹/۸۳۶				
جوانان	Regression	۴۱/۱۰۵	۴	۱۰/۲۷۶	۴۴/۸۰۲	۰/۰۰
	Residual	۵۹/۸۶۶		۰/۲۲۹		
	total	۱۰۰/۹۷۱				

جدول شماره ۴، اثرات متغیرهای مستقل بر تفاوت ارزشی (جوانان و والدین)

والدین			جوانان			متغیر
اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	
-۰/۲۴۵	۰/۲۱۵	-۰/۴۶	۰/۰۶	۰/۰۶	...	منش اقتصادی
-۰/۳۲۴	-۰/۵۲۴	۰/۲	۰/۱۱۲	۰/۱۱۲	...	منش سیاسی
-۰/۹۷۹	-۰/۵۵۹	-۰/۴۲	۰/۶۸	۰/۳۳	۰/۳۵	منش اجتماعی
-۰/۵۶۳	-۰/۱۲۳	-۰/۴۴	-۰/۷۳	-۰/۲۲	-۰/۵۱	منش فرهنگی

مدل تحلیل مسیر زیر با توجه به مدل نظری پژوهش و با استفاده از رگرسیون چندگانه برای محاسبه ضرایب مسیر تنظیم شده است.





طبق یافته‌ها بیشترین تأثیر متغیر مستقل بر تفاوت ارزشی (متغیر وابسته) از نظر والدین به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به منش اجتماعی آنها برمی‌گردد اما این تأثیر معکوس است و منش اقتصادی کمترین تأثیر را داشته است. در مجموع تفاوت میان منش اجتماعی جوانان و والدین بیشترین عامل مؤثر در ایجاد تفاوت ارزشی میان آنها شده است در حالی که یافته‌ها نشان می‌دهد هرچه جوان و والدین منش فرهنگی مختلفی داشته باشند، تفاوت ارزشی آنها کاهش می‌یابد که این خود جای بررسی‌های دیگر در آینده را باز می‌گذارد. هرچند به‌عنوان یک پاسخ موقت به این نتیجه شاید بتوان سکولار شدن فرهنگ جامعه و رونق‌گرایش به ظواهر فرهنگی غربی را عامل دانست در حالی که گرایش به ریشه‌های ارزشی جامعه نزد دو نسل کم‌تغییر باقی مانده است.

#### ۱۱- نتیجه‌گیری

همچنانکه جامعه ابعاد مختلفی به خود می‌گیرد و به قول پارسونز از نظام‌های چندگانه‌ای تشکیل می‌شود، جریان اجتماعی شدن نیز از مسیرهای خاص خود بر فرد تأثیر می‌گذارد و مهمترین کارکرد اجتماعی شدن یعنی انتقال ارزش‌های جامعه از همین مسیر رخ می‌دهد. در این بین جریان اجتماعی شدن که به نقلی انتقال ارزش‌های بزرگسالان جامعه به جوان‌ترهاست اگر به درستی رخ ندهد و یا تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی نظام نتواند کارکرد تعریف شده خود را انجام دهد، بی‌شک با امری روبرو می‌شویم که پدیده شکاف ارزشی و در اصطلاحی بی‌طرفانه‌تر تفاوت ارزشی خواهد بود. پدیده‌ای که سرانجام در حادترین حالت خود منجر به شکاف نسلی می‌گردد.

در این بررسی روند اجتماعی شدن که منجر به پیدایش ویژگی‌های خاصی در هر یک از ابعاد جامعه در فرد می‌شود را منش قلمداد کرده و آنگاه در قالب تئوری کنش و سیستمی پارسونز در دو نسل جوان و والدینشان (پدر و مادر) نسبت به ارزش رایج جامعه (نمونه‌هایی از امور ارزشمند مورد تأیید دین، قانون، عرف و آداب و رسوم رایج جامعه) سنجش به عمل آمد که نتایج زیر از اهم نتایج این پژوهش است.

- در حالیکه نزد والدین منش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشترین تأثیر را در ارزیابی از شکاف ارزشی داشته‌اند در بین جوانان تنها اثر منش فرهنگی بیشتر نمود دارد و این درحالی است که این تأثیر خود جهتی معکوس دارد.

- همچنین متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش برای جوانان ۴۰ درصد و برای والدین ۴۷ درصد تأثیر بر متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.
- در تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر متغیر وابسته نیز منش اجتماعی و فرهنگی نزد هر دو دارای بیشترین تأثیر می‌باشند.
- ضمناً از موارد زیر را می‌توان به عنوان عوامل مؤثر بر کاهش تفاوت ارزشی در میان نمونه‌های مورد بررسی یاد کرد.
- حدود ۷۰ درصد از جوانان به لحاظ مالی و مادی به والدین خود وابسته بوده‌اند که پایین بودن سطح تفاوت ارزشی می‌تواند تحت تأثیر وابستگی مالی رخ داده باشد که البته نیازمند به پژوهش دیگری است.
- محل پرورش اولیه (قبل از ۱۵ سالگی) بسیاری از والدین (بیش از ۹۶ درصد) ساری نبوده و آنها بعد از این سن در این شهر ساکن شده‌اند. در حالیکه بیش از ۹۳ درصد جوانان تا قبل از این سن در ساری متولد و یا ساکن شده‌اند. لذا محیط‌های اجتماعی شدن مختلف که می‌تواند یکی از عوامل بسیار مهم در تفاوت ارزشی به‌شمار رود در این پژوهش تأثیر چندانی در ایجاد تفاوت نداشته است که می‌تواند به خاطر بافت مشابه تمامی شهرهای مازندران با هم و یا روستا با شهرهای مازندران دانست که البته جای بررسی‌های بیشتر را باز می‌گذارد.
- در خاتمه ضمن تایید بر وجود تفاوت ارزشی و تأثیر منش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری تفاوت ارزشی میان جوانان و والدینشان، باید یادآور شویم که این تفاوت هنوز چندان جدی نبوده و ضمن تایید وجود تفاوت ارزشی، شکاف ارزشی میان جوانان و والدینشان به وجود نیامده است.

#### فهرست منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی- زند، مهناز- خزایی، طاهره، (۱۳۷۹)، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانوادگی تهرانی، نامه علوم اجتماعی ش ۱۶.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی- غلام رضا غفاری، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی نسلی در ایران، نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.

- ۳- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۷)، رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی از کتاب مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انتشارات آگاه، تهران چاپ دوم.
- ۴- امیر احمدی، رحمت الله، (۱۳۸۷)، بررسی وضعیت شکاف ارزشی بین جوانان با والدین، مورد مطالعه شهر گرگان، همایش منطقه‌ای آسیب شناسی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر.
- ۵- استونز، راب، (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه شناسی، ترجمه مهرداد میر دامادی، نشر مرکز، تهران.
- ۶- اسکیدمور، ویلیام، (۱۳۷۵)، نظریه‌های جامعه شناسی، تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و سایرین، نشر تابان، تهران.
- ۷- بی، ارل، (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، جلد اول، سمت، تهران.
- ۸- بیرو، آلن، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ سوم.
- ۹- پهلوان، منوچهر، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی جوانان، نشر کمال‌الملک، بابل.
- ۱۰- پهلوان، منوچهر، (۱۳۸۶)، بررسی تغییرات ارزش‌ها و رابطه‌ی آن با شکاف نسلیها (مطالعه موردی شهرهای استان مازندران)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه‌زاداسلامی واحد خلخال، سال سوم، شماره ۱۵.
- ۱۱- توکلی، محمد- قاضی‌نژاد، مریم، (۱۳۸۵)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۷.
- ۱۲- حسن زاده، عیسی، مجیدی، زهرا، (۱۳۸۷)، بررسی پدیده شکاف بین نسلی در استان گلستان، همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر.
- ۱۳- دیلینی، تیم، (۱۳۷۸)، نظریه‌های کلاسیک جامعه شناسی، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، نشر نی، تهران.
- ۱۴- رایبگتن، ارل- وینبرگ، مارتین، (۱۳۸۶)، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت الله صدیق سروسستانی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- رازقی، نادر، (۱۳۸۸)، تأملی در تفاوت نسلی و هویت بومی مازندرانی از مجموعه مقالات همایش طرح مسائل اجتماعی استان مازندران، جلد دوم، انتشارات دانشگاه مازندران، بابل.
- ۱۶- ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی تهران، چاپ دوم.

- ۱۷- سفیری، خدیجه، شریفی، نیره، (۱۳۸۴)، بررسی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان و رابطه آن با گروه‌های مرجع، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.
- ۱۸- شایان مهر، علیرضا، (۱۳۷۹)، دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب دوم، انتشارات کیهان.
- ۱۹- صدیق اورعی، غلامرضا، (۱۳۷۴)، جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد، چاپ اول.
- ۲۰- غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۶)، روابط و ارزش‌های اجتماعی جوانان ایرانی، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۷-۳۲، تهران.
- ۲۱- قاضی نژاد، مریم، (۱۳۸۳)، نسل‌ها و ارزش‌ها (بررسی و تحلیل جامعه شناختی تفاوت گرایش‌های ارزش نسل جوان و بزرگسال)، رساله دوره دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۲- کمالی، افسانه، (۱۳۸۷)، مسائل اجتماعی ایران (انجمن جامعه شناسی ایران)، نشر آگاه، تهران، چاپ دوم.
- ۲۳- کوزر، لوئیس، (۱۳۷۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی تهران، چاپ هفتم.
- ۲۴- کوئن، بروس، (۱۳۷۷)، درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران، چاپ پنجم.
- ۲۵- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، چاپ سوم.
- ۲۶- لوزیک، دانیلین، (۱۳۸۸)، نگرش نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوم.
- ۲۷- معیدفر، سعید، (۱۳۸۳)، مقاله شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، از فصلنامه‌ی نامه علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۴.
- ۲۸- معیدفر، سعید، (۱۳۸۷)، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات نورعلم، همدان، چاپ دوم.
- ۲۹- هانت، د، (۱۳۷۳)، والدین و فرزندان در تاریخ، از کتاب جامعه شناسی مدرن، تألیف پتر ورسلی، ترجمه حسن پویان، جلد اول، انتشارات چاپخش، تهران، چاپ اول.

۳۰- هرندی، فاطمه، فیروزی حاجی، زهرا. جوادی، مریم، (۱۳۸۷)، نگاهی به جوانان علاف در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره شانزدهم، شماره ۳۵.

31. Bourdieu, pierre, questions de sociologies les editions 7 ruebernard palissy, paris1984.
32. Friedenberg, Edgar Z.(1969). The Generation Gap. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science; vol. 382, 1.
33. kertzel , David(1993) gurgitation as a sociological problem in annwairevice, No4.
34. Moore , Melamie, value structures and priories of three Generations of Japanese Americans sociological spectrum, vol 19.Issue 1 jan,1999.
35. Parks , Janet B. Roberton, Mary Ann.(2008) Generation Gaps in Attitudes Toward Sexist/Nonsexist Language. Journal of Language and Social Psychology, vol. 27, 3.
36. Troll , Lilliane. (1982). Family Life in Middle and Old Age. The Generation Gap, the ANNALS of the American Academy of Political and Social Science; vol. 464, 1